

برگزاری کلاس‌های سوادآموزی برای فاطمیون

رئیس سازمان نهضت سوادآموزی گفت: نهضت سوادآموزی برای فاطمیون اقدام به برگزاری کلاس‌های سوادآموزی کرده است، اما سوادآموزی به سوری‌ها انجام نشده است. به گزارش ایلنا، عبدالرزاق اولادوند افزود: نهضت سوادآموزی در داخل افغانستان ۱۵۰۰ نفر را به عنوان مربی سوادآموزی آموزش داد که این مربوط به سنوات گذشته است.

یک جامعه‌شناس:

سبک زندگی امارات، قطر، عربستان و... برای ایرانی‌ها حسرت‌دهنده

عظفه هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی در نشست تخصصی ایده‌هایی برای پیشرفت و توسعه منطقه مکران گفت: ایرانی‌ها کور که نیستند بسیار آدم‌های باهوش، عاقل، فهیم و ایران دوستی هستند و تفاوت توسعه شمال و جنوب خلیج فارس را می‌بینند می‌فهمند. محمدفاصلی افزود: شما بگویید کشورهای جنوب خلیج فارس گاو شیرده هستند و هر چی دوست دارید بگویید؛ GDP کشورهای پایین خلیج فارس ۵۳۰ میلیارد دلار است و فرودگاه و سبک زندگی عمان، امارات، قطر عربستان و بحرین برای ایرانی‌ها حسرت شده است. هر ایرانی که از فرودگاه امام هوا بیما شود در فرودگاه قطر در دوچه پیاده می‌شود می‌فهمد فاصله چقدر است. به گفته او ما دچار یک عدم توازن توسعه‌ای و تمدنی شمال و جنوب خلیج فارس هستیم و تنها جایی که باقی‌مانده که توازن توسعه‌ای ایجاد کنیم و چشم‌ه‌ا را از جنوب به شمال هم خیره کنیم سواحل مکران است.

هشدار نسبت به کمبود ۱۰ برابری دارو تا دو ماه آینده

سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس گفت: تا دو ماه آینده احتمال تا ۱۰ برابر شدن کمبود دارو وجود دارد. سلمان اسحاقی تاکید کرد: ما باید بپذیریم که کمبود دارو در کشور ۱۲۰ قلم دارو کمبود داریم، خود متولیان امر فریاد می‌زنند که اگر توجه نکنیم و تا ۲ ماه آینده به فکر نباشیم این کمبود چندین برابر می‌شود.

وجود ۱۸ میلیون بی‌سواد و کم‌سواد در کشور

عضو کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس گفت: وجود جمعیت ۱۸ میلیون بی‌سواد و کم‌سواد در کشور جای سوال دارد، امروز در عرصه تکنولوژی بسیاری از کشورهای منطقه سخن از هوش مصنوعی می‌گویند و انتشار چنین آماری در تمام سطوح برای ایران ناخوشایند است. به گزارش ایلنا، علی خزایی افزود: میزان باسوادی هر جامعه‌ای همواره در مرادوات اجتماعی و اقتصادی و در ارتباط مستقیم با تولید ناخالص ملی تاثیر گذار است، قطعاً میزان افزایش سواد، تعهد و تخصص را برای هر کشوری به دنبال دارد.

زاکانی: چیزی به نام حجاب‌بان نداریم

شهردار تهران گفت: برای بار چندم می‌گویم که چیزی به نام حجاب‌بان نداریم. در حال حاضر ما از ایده خودمان عقب هستیم و باید تلاش کنیم از ظرفیت نیروهای انسانی شهرداری برای یگان حفاظت بانوان شهرداری استفاده کنیم. به گزارش سیاست دیده‌بان، ایران، علیرضا زاکانی در نشست خبری دیروز افزود: در مجموعه مدیریت شهری تهران، یگان انتظامی مأموسل صیانت از فضاهای امکانات شهرداری است که با پشتیبانی فراجا و به صورت رسمی در این زمینه کار می‌کند؛ ملاحظه حفاظت از بیرون ایستگاه‌های مترو با فراجا است، ولی انتظامات داخل مترو با یگان حفاظت شهرداری است. در همین زمینه ۲۴ مأموریت برای یگان انتظامات ما تعریف شده است.

هشدار پلیس فتا درباره دو شگرد معروف کلاهبرداران تلفنی و پیامکی

پلیس فتا درباره دو شگرد معروف که کلاهبرداران هنوز هم برای فریب افراد از آن استفاده می‌کنند، هشدار داد. داود معظمی گوید: ری، رئیس پلیس فتا پایتخت در خصوص پرونده‌های جرایم سایبری در ۲۴ ساعت اخیر گفت: از جمله شگردهای رایج در این مدت، کلاهبرداری‌های تلفنی و پیامکی بوده که مجرمان با استفاده از تکنیک‌های مهندسی اجتماعی و وسوسه‌های سادی دراندا اعتماد افراد را جلب کرده و کلاه‌های حساس آن‌ها را به دست آورند. وی ادامه داد: در بسیاری از این پرونده‌ها، مجرمان با ارائه اطلاعاتی همچون کدملی یا شماره حساب قربانیان، آن‌ها را متقاعد می‌کنند که تماس از سوی یک نهاد رسمی یا حاکمیتی است و به همین دلیل قربانیان کدهای مورد نظر را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند.

ماجرای ضرب و شتم بزرگ غذا و دارو در کرج

رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان البرز از ضرب و شتم یکی از کارشناسان زن معاون غذا و دارو این دانشگاه حین بازرسی یکی کارخانه در ماه‌دهشت کرج خبر داد و گفت: پرونده این حادثه از سوی دستگاه قضایی در دست بررسی است. به گزارش سایت دیده‌بان ایران، شهرام صیادی افزود: حدود ساعت ۲۴ پنجشنبه ششم دی ماه این کارشناس بر اساس مأموریت محوله از سوی دانشگاه علوم پزشکی از یک داروخانه در شهر ماه‌دهشت کرج بازدید کرد که توسط یکی از عوامل این داروخانه از ناحیه دست دچار شکستگی شد. رئیس دانشگاه علوم پزشکی البرز گفت: اسمال نیز تعدادی از مأموران اورژانس البرز حین انجام وظیفه توسط برخی افراد مورد ضرب و شتم قرار گرفتند که پرونده این حوادث در حال بررسی است.

کاهش اهدای خون در تهران

مدیر کل انتقال خون استان تهران با ابراز نگرانی از آنچه که «دامه روند کاهش مراجعه برای اهدای خون تحت تاثیر سرما و آلودگی هوا» خوانده، گفت: از شهروندان تهرانی می‌خواهم مانند همیشه پارکینگ بیماران و سازمان انتقال خون باشند و نسبت به اهدای خون اقدام کنند. به گزارش ایسنا، سیدمنظر اظهار کرد: در حال حاضر، روزانه حدود ۱۱۰۰ واحد خون در پایگاه‌های انتقال خون استان اهدا می‌شود؛ این در حالی است که ۱۶۰۰ واحد خونی در مراکز درمانی توزیع می‌شود. اهدای خون، یک کار فوق‌برنامه نیست؛ من از شهروندان تهرانی می‌خواهم نسبت به اهدای خون اقدام کنند.



سعدیه عبیدپور

چندسالی است که هر از چندی اخباری در خصوص احکام قضایی عجیب و غریب؛ اغلب برای زنان و به بهانه بی‌حجابی خبرساز شده و واکنش‌های فراوانی در پی داشته است. احکامی که در وهله نخست این سوال را در اندان عمومی ایجاد می‌کند؛ پایه این مجازات‌های مبتکرانه را به قولی «اختراعی» کدام‌محمل قانونی است؟ یکی از همین مجازات‌های مورد اشاره، که این روزها نظر‌ها را به سمت خود جلب کرده است، ماجرای ممنوع‌الپروازی خانم بازیگری است که بعد از اعتراضات سال ۱۴۰۱ ممنوع‌الکار هم شده بود!

در خبر ایسن روزها آمده که؛ ترانه علیدوستی قصد داشته با دختر بچه‌اش به قشم سفر کند؛ اما قه‌میده کدملی‌اش برای تمام پروازهای داخلی و خارجی مسدود شده است!

در خبر دیگری که آن هم در همین روزهای اخیر منتشر شد، ابوذر زمان، وکیل و برادر زینب زمان، فعال حقوق زنان ساکن تهران، گفت که موکلش در دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ۶ ماه حبس تعزیری، ۵۰ میلیون تومان جریمه نقدی و مجازات تکمیلی محکوم شده است.

آنچه در این حکم بیشتر توجه‌ها را به خود جلب کرد، بخش آخر آن یعنی مجازات تکمیلی بود. بنا به اظهارات وکیل، در این بخش از حکم آمده است که زینب زمان به مدت ۵ سال از ارتباط و معاشرت با افراد فعال در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی محروم شده است!

این احکام در حالی صادر می‌شود که در یکی دو سال اخیر احکام عجیب و غریب دیگری هم صادر شده بود که البته برخی از آنها به دلیل همین وهن قانون، علاوه بر حاشیه‌سازی به مرحله اجرا هم نرسید. مثلاً حکم پزشکی که به‌دلیل بی‌حجابی در هنگام رانندگی از اشتغال در بیمارستان‌های دولتی منع و موظف به نفاذت بیمارستان‌ها شد یا دادگاهی که به خاطر عدم رعایت حجاب حین رانندگی، به شستن یک‌ماهه‌میت در غسلخانه‌شهر تهران محکوم شد. با حکم آزاد صمدی، بازیگر

پیمان عبدغفور: «بنا بر دیدگاه کاربست سلیقه‌های و تشخیص حقوق و آزادی‌های شهروندان را محدود کرد. هیچ قاضی و هیچ سیاست‌گذار عمومی این اجازه را ندارد که قلمروی محرومیت اجتماعی را فراتر از چیزی که قانون مجازات اسلامی نسبت به آن پیش‌بینی کرده است، بگذارد.»

گزارش

تغییر نام معابر در همه دوره‌های مدیریت شهری موضوعی پر حاشیه بوده که با واکنش‌های گسترده‌ای هم‌اکنون در سراسر کشور رو به رو بوده، رویکرد سیاسی و سلیقه‌ای در انتخاب نام‌ها همواره صدای بخشی از جامعه را بلند کرده است. هر چند مردم همیشه خیابان‌ها را به نام‌های آشنایی خود می‌شناسند فرقی نمی‌کند خیابان به نام چه‌ر محبوب سیاسی و ملی باشد یا هنرمندی محبوب یا یکی از چهره‌های مقاومت.

به گزارش خبرآنلاین، جدیدترین حاشیه مربوط به مصوبه اخیر شورای شهر تهران در خصوص تغییر نام خیابان بیستون حداقل میدان شهدا تا خیابان فتحی گشتی به نام شهید یحیی سنوار بود. نام‌گذاری که با واکنش‌های گسترده‌ای هم‌راه بود در نهایت شورای شهر تهران مجبور به عقب‌نشینی از این مصوبه خود شد. علیرضا ناده‌علی، سخنگوی شورای شهر تهران به رسانه‌ها گفت: با وجود تصویب تغییر نام تنها یک چهارم انتهای خیابان بیستون با وجود ۷ معبر دیگر در تهران با نام بیستون، در راستای توجه بیشتر به نظرات همشهری‌ها، مصوبه مجدد برای بررسی بیشتر در کنار موضوعات دیگر به کمیسیون نامگذاری باز می‌گردد تا معابر مناسب‌تری در شان شهید بزرگ مقاومت یحیی سنوار یافته و برای نامگذاری به‌صحن شورا پیشنهاد شود.

سوده نجفی عضو هیئت رئیسه شورای شهر تهران هم در شبکه ایکس‌نوشت: نظر به اهمیت حفظ تاریخ و فرهنگ ایران و نامگذاری خیابانی مناسب‌تر، در پیگیری که از رئیس شورا داشتم، نام خیابان بیستون باقی‌و در جلسه‌ای دیگر نسبت به نامگذاری خیابانی به نام شهید سنوار تصمیم‌گیری خواهد شد.

این تنها نامگذاری پر حاشیه‌این دوره از مدیریت شهری ششم نیست، یکی از تغییر نام‌های پرواکنش تغییر نام بن بست اختر به نام بصیرت بود. بن بست اختر محل حصر خانگی میرحسین موسوی وزه‌را رهنورد است. این رویکرد از همان روزهای نخست مدیریت شهری ششم آغاز شد. در همان ماه‌های نخست نام چهار چهره ادبی بزرگ‌از خیابان حجاب حذف شد. کوچه یکم در خیابان حجاب به نام استاد صمد بهرنگی با حفظ شماره گذاری، کوچه سوم در خیابان حجاب به نام مهدی آذر یزدی، کوچه پنجم مجاور خیابان حجاب به نام هوشنگ مرادی کرمانی، و کوچه هفتم در خیابان حجاب به نام استاد جبار باغچه‌بان.

این نامگذاری‌ها در شورای پنجم شهر تهران مصوب شده بود و همان زمان منتقدانی هم داشت، روزنامه کیهان آن زمان در

شناخته شده که به خاطر استفاده از کلاه به جای روسری در یک مراسم تدفین، ملزم به مراجعه به مراکز رسمی روانشناسی برای درمان بیماری «شخصیت ضداجتماعی» به‌صورت هر دو هفته یکبار شد!

در حالی که کارشناسانی چون پیمان عبدغفور؛ وکیل پایه یک دادگستری و مدرس دانشگاه در گفت‌وگو با توسعه ایرانی معتقد است که «هیچ قاضی و هیچ سیاست‌گذار عمومی این اجازه را ندارد که قانون مجازات‌های اجتماعی را فراتر از چیزی که قانون مجازات اسلامی نسبت به آن پیش‌بینی کرده، تعیین کند»، برخی دیگر هم بسر این عقیده هستند چنین احکامی مضحکه‌قانون است.

مجازات نابیدر و بیکر در اختراعی داشته‌باشد

در حالی صدور حکم زندان و محرومیت‌های اجتماعی برای زنان یا حتی افراد نظیر آنچه برای ترانه‌علیدوستی به اجرا در آمد - با توجه به رویکرد اعتراضی‌اش در خصوص بحث حجاب و سابقه بازداشتش در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ - احتمالاً به موضوع مجازات بی‌حجابی او در نظر عمومی برمی‌گردد که قانون «عفاف و حجاب» از سوی دولت هژدی ایلان نشده است. در این قانون هر چند جرایم نقدی و غیرنقدی متعددی برای زنانی که حجاب بر سر ندارند، تعیین شده؛ اما در متن منتشر شده از آن اشار‌های به احکامی عجیب‌از این دست دیده نمی‌شود.

در موارد اخیر و ممنوعیت‌های غریب اعلام شده حتی خبرها گاهی به گونه‌ای شگفت‌انگیز بود که می‌شد منتظر تکذیب می‌دهد: «طبق گزارش، تکذیبی در خصوص دو خبر مورد اشاره منتشر نشده است؛ همین‌رو در ادامه در گفت‌وگو با پیمان عبدغفور، وکیل پایه یک دادگستری و مدرس دانشگاه به بررسی محمل قانونی احکامی از این دست پرداخته‌ایم. اینکه چنین احکامی می‌تواند برگرفته از کدام قانون موجود صادر شده باشد.

پیمان عبدغفور در خصوص خبر مربوط به زینب زمان، کشتگر فمینیست و حکم «ممنوع‌المعاشرت» شدنش، به «توسعه ایرانی» چنین

بررسی مجازات‌های اختراعی و پیش‌بینی نشده در قانون، در گفت‌وگوی «توسعه ایرانی» با وکیل پایه یک دادگستری

«ممنوع‌الپرواز» و «ممنوع‌المعاشرت»؛ وهن یا مضحکه قانون؟!



وکیل پایه یک دادگستری در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»:

«اصل قانونی بودن مجازات که هم در قانون اساسی و هم در قانون مجازات اسلامی یکی از اصول مسلم حقوق کیفری است اجازه نمی‌دهد که قاضی مجازاتی را تعیین کند که در قانون پیش‌بینی نشده است. به نظر می‌رسد «ممنوع‌المعاشرت بودن به طور کلی» مجازاتی است که در قوانین موضوعه فعلی جایگاه قانونی ندارد»

موردی به‌منظور دست‌رسی به متهم و حضور به‌موقع وی و جلوگیری از فرامی‌بخشی شدن متهم ممکن است خروج از حوزه قضایی نیاز به اجازه مرجع قضایی داشته‌باشد یا شخصی محکوم به اقامت در محل مشخصی شده باشد؛ لیکن اینکه قاضی شخصی را «ممنوع‌الپرواز» کند در قوانین مابیش‌بینی نشده است.

در همین‌باره شاید به‌ناباشد یادی کنیم از سخنان تیرماه گذشته غلامحسین محسنی‌آزاه، رئیس دستگاه قضایی کشور که با تکبید بر ضرورت نظارت دیوان عالی کشور بر احکام صادر شده گفته بود: «مجازات باید متناسب، عاقلانه و اثربخش باشد؛ تعیین مجازات نباید به گونه‌ای باشد که موجب وهن شود؛ اگر مجازات تعیین شده، وهن دستگاه قضایی باشد، از اثرگذاری لازم‌برخوردار نخواهد بود. در اینجاست که عدل و تدبیر قاضی جلوه‌گری می‌کند؛ در اینجاست که قاضی باید متضیبات را بسنجد و عاقلانه عمل کند.»

که قلمروی محرومیت اجتماعی را فراتر از چیزی که قانون مجازات اسلامی نسبت به آن پیش‌بینی کرده است، بگذارد.»

محدود کردن آزادی اشخاص ممنوع‌است

اما در این گفت‌وگو موضوع دیگری که این مدرس دانشگاه به آن اشاره دارد و آن را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ در رابطه با بحث ممنوع‌الپرواز بودن ترانه‌علیدوستی است. این عضو کانون وکلای مرکز و می‌گوید: «طبق ماده ۴۸ منشور حقوق شهروندی حق مسلم هر شهروند است که آزادانه در داخل یا خارج از کشور رفت‌وآمد کند، مگر اینکه این حق به موجب قانون محدود شده باشد. ممنوع‌الپرواز بودن خانم علیدوستی در داخل کشور اگر به موجب حکم دادگاه بوده باشد که این حکم به‌دلیل رعایت نکردن اصل قانونی بودن مجازات‌ها، قانوناً قابل نقض است، چرا که در هیچ یک از قوانین «ممنوع‌الپرواز» که در داخل کشور به‌عنوان یک کیفر پیش‌بینی نشده است و اگر هم به دستور شخص یا مقام حکومتی انجام شده باشد باز هم غیرقانونی بوده حتی می‌تواند مشمول ماده ۵۷۹ قانون تعزیرات باشد.»

به موجب این ماده هر مقام مسئولی که آزادی شخصی افراد جامعه را بر خلاف قانون سلب یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم کند علاوه‌بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا ۵ سال از مشاغل دولتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

بر این اساس این وکیل پایه یک دادگستری معتقد است که «اگر شخص خاصی بدون حکم دادگاه از پرواز خانم علیدوستی جلوگیری کرده باشد قانوناً قابل مجازات است و باید در انتظار انفصال از خدمت و حبس باشد.»

او به این نکته نیز اشاره می‌کند که «در

لحاظ شرعی، مرتکب جرم راجه‌ای است

دستورهای مشخص شده در قانون ملزم کند. در بند «ج» این ماده یکی از دستوراتی که دادگاه می‌تواند انتخاب کند دستور به «خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاوان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزده‌بند یا تشخص دادگاه» است. عبدغفور هر چند می‌گوید که «اگر در حکم صادره برای ایشان معاشرت با اشخاص خاصی ممنوع شده باشد حکم به صورت قانونی قابل نقض است»، اما این نکته را نیز اضافه می‌کند که «به نظر می‌رسد اگر ایشان به طوری کلی از معاشرت با قشر خاصی از جامعه ممنوع شده باشد بدون آنکه مصداق این قشر معین باشد، دستور صادره نمی‌تواند مشمول ماده ۴۲ شود. به عبارت دیگر اگر دادگاه بخواهد شخص را ممنوع‌المعاشرت کند حتماً باید شخص یا اشخاصی را که مرتکب، نباید با آنها در ارتباط باشد را تصریح کند و نمی‌تواند مرتکب را به طور کلی از معاشرت با افراد نامشخصی منع کند.»

این وکیل پایه یک دادگستری ادامه می‌دهد: «کنته‌ای که حائز اهمیت است این است که قاضی در بحث مجازات نباید رویکرد اختراعی داشته‌باشد. اصل قانونی بودن مجازات که هم در قانون اساسی و هم در قانون مجازات اسلامی یکی از اصول مسلم حقوق کیفری است اجازه نمی‌دهد که قاضی مجازاتی را تعیین کند که در قانون پیش‌بینی نشده است. به نظر می‌رسد «ممنوع‌المعاشرت بودن به طور کلی» مجازاتی است که در قوانین موضوعه فعلی جایگاه قانونی ندارد.»

این مدرس دانشگاه با بیان اینکه «بنا بر دیدگاه کاربست سلیقه‌های و تشخیص سلیقه‌های یک مرجع قضایی حقوق و آزادی‌های شهروندان را محدود کرد.» می‌افزاید: «هیچ قاضی و هیچ سیاست‌گذار عمومی این اجازه را ندارد

ممنوع‌الپرواز بودن خانم علیدوستی در داخل کشور اگر به موجب حکم دادگاه بوده باشد که این حکم به دلیل رعایت نکردن اصل قانونی بودن مجازات‌ها، قانوناً قابل نقض است، چرا که در هیچ یک از قوانین «ممنوع‌الپرواز» در داخل کشور به‌عنوان یک کیفر پیش‌بینی نشده است و اگر هم به دستور شخص یا مقام حکومتی انجام شده باشد باز هم غیرقانونی بوده حتی می‌تواند مشمول ماده ۵۷۹ قانون تعزیرات باشد»



می‌گوید: «با توجه به اینکه به اصل حکم دسترسی نداریم باید گفت احتمالاً قاضی صادرکننده حکم به استناد بند «ج» ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی دستور به خودداری از معاشرت وی را صادر کرده است.»

حواشی تغییر نام خیابان «بیستون» به «یحیی سنوار» ادامه دارد تغییر نام معابر بدون توجه به خواست عمومی

مطلبی نوشت: شورای اسلامی شهر تهران همچنان درگیر بازی اسم‌فامیل است. این دوره از شور که در انتخابات ۲۸ خرداد از سوی مردم تهران «ه» شنیدند و نامزدهای متمایل به جبهه‌انقلاب را ی بالاتری از یاران شورای فعلی کسب کردند، گویی قصد گرفتن انتقام از مردم را دارند.

یکی دیگر از تغییر نام‌هایی که در این دوره از شورای شهر پر حاشیه‌شد تغییر نام خیابان انوشیروان بود. سخنگوی شورای شهر تهران در صحن شورای شهر تهران در دفاع از این تغییر نام گفت که مادر جمهوری اسلامی سیاست‌های رسمی داریم. با انقلاب کریم خانی. با تغییر نام خیابان ۵۷ ضحیت با سلطنت ۲۵۰۰ ساله داشت یعنی ما غیر از پادشاهی حضرت سلیمان و حضرت داوود هیچ پادشاهی را به رسمیت نمی‌شناسیم. هم‌اکنون چند کوچه در اطراف دفتر مقام معظم‌هبری به اسم پادشاهان است. اینکه ما اسم شهید را بر روی این کوچه‌ها بگذاریم منافاتی ندارد.

در دوره پنجم مدیریت شهری هم نام‌گذاری‌های پر سر و صدا کم نبود. یکی از این نام‌گذاری‌ها مصوبه تغییر نام خیابان فلامک واقع در منطقه ۲ تهران به اسم استاد شجریان بود که دو سال با تاخیر



نام‌گذاری هم به نام شهید انجام شده است. شهریار، آرش کامناتگر، غزالی، حافظ، مولانا، هادی سعایی، کمال‌الملک، مالک اشتر و شمس تبریزی از جمله نام‌های مشاهیری بود که در این دوره برای خیابان‌های تهران انتخاب شد.

در دوره چهارم تغییر نام‌بزرگراه نیایش به آیت‌الله هاشمی‌نام‌گذاری معبری به نام آیت‌الله مهدوی‌کنی، سسگر اولادی، طاهره صفارزاده انجام شد. شورای پنجم متفاوت‌ترین نام‌گذاری‌های را در طی ۴ سال انجام داد؛ از نام‌گذاری معبری به نام مصدق که مطالبه سالیان دراز مردم شهر بود، تا استاد شجریان، بیژن ترقی، داوود رشیدی، بهمن کساروز، جمشید مشایخی، بازرگان، عباس کیارستمی، حسین منزوی، علی‌نصیریان، پروین دولت‌آبادی، سیمین دانشور، اخوان‌ثالث، علی‌حاتمی، عزت‌الله انتظامی، ناصر حجازی و...

اما نکته قابل توجه که همین نام‌گذاری‌ها هم مورد توجه مردم قرار نگرفت شاید از این نام‌گذاری‌ها سبقت‌گرفته‌اند. این خیابان‌ها راه نام جدیدشان نتواندند. تغییر نام خیابان‌ها و معابر شهری از منظر جامعه‌شناسان و تهران‌شناسان به دلایل مختلفی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر هویت اجتماعی و فرهنگی شهروندان و بافت شهری داشته‌باشد. این تغییرات گاهی به‌عنوان بازتابی از تغییرات سیاسی و اجتماعی تعبیری می‌شوند اما در مواردی نیز می‌توانند موجب تنش و نارضایتی عمومی شوند.

جعفر مهرداد، پژوهشگر تاریخ تهران، تأکید می‌کند: «خیابان‌های تهران هر کدام داستانی در دل خود دارند و تغییر نام آن‌ها می‌تواند این داستان‌ها را به دست فراموشی بسپارد.»

جامعه‌شناسان معتقدند که نام خیابان‌ها بخشی از هویت جمعی و خاطرات مشترک یک جامعه را تشکیل می‌دهند. تغییر این نام‌ها، به‌ویژه اگر بدون مشورت عمومی انجام شود، می‌تواند باعث گسست در پیوندهای فرهنگی و تاریخی شهروندان با محیط زندگی‌شان شود.

به اعتقاد آنها نام خیابان‌ها به‌عنوان بخشی از حافظه تاریخی جامعه شناخته می‌شوند. تغییر ناگهانی این نام‌ها می‌تواند احساس بیگانگی شهروندان با محیط شهری را تقویت کند. نام خیابان‌ها می‌تواند عامل انسجام یا اختلاف میان گروه‌های اجتماعی مختلف باشد. تغییر نام‌هایی که بازش‌های یک گروه خاص هم‌خوانی دارند، ممکن است موجب درگیری‌های نمادین میان گروه‌های اجتماعی شود.